۶ هزار تخلف سرویس مدارس مشهد در یکسال

سرپرست پلیس راهنمایی‌ورانندگی خراسان رضوی تخلفات سرویس مدارس طی یک سال گذشته را تشریح کرد

راحله حسین زاده

با آغاز فصل مدارس و سال جدید تحصیلی علاوه‌بر داغ شدن بازار کیف، کفش و لوازم‌التحریر، سرویس‌دهی خودرویی به مدارس نیز افزایش می‌یابد که دغدغه ایمن بودن این سرویس‌ها از یک‌سو و ازدحام در خیابان‌ها و افزایش ترافیک در معابر شهری از سوی دیگر اهمیت پیدا می کند. روز گذشته به همین مناسبت، نشست خبری در مرکز فرماندهی پلیس راهور استان در مشهد برگزار شد که در آن، سرپرست پلیس راهنمایی‌ورانندگی خراسان رضوی در جمع خبرنگاران از افزایش ۳۰درصدی ترافیک معابر شهری در روزهای پایانی شهریور امسال خبر داد.

به گفته سرهنگ حمیدرضا دهنوی، هم‌اکنون ۱۰هزار و ۱۵۵سرویس مدرسه در سطح استان فعالیت می کنند که ۷هزار خودرو از این میزان، متعلق به شهر مشهد است.

این مقام ارشد پلیس راهور استان در ادامه این نشست خبری بیان کرد: در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ بالغ‌بر ۱۳هزار و ۱۹۵تخلف سرویس مدرسه در سطح استان ثبت شده است که از این میزان، ۶هزار مورد در مشهد بوده است و اعمال قانون شده‌اند.

دهنوی گفت: پلیس راهور خراسان رضوی با اجرای طرح‌های ترافیکی در سطح استان، برای باز کردن گره‌های ترافیکی تلاش می کند که به گفته او یکی از این طرح‌ها برخورد با تخلفات ساکن ازقبیل توقفات دوبله، سدمعبر و موارد مختل کننده عبورومرور در خیابان‌ها به‌خصوص در اطراف مدارس است.

سرپرست پلیس راهور خراسان رضوی از وجود ۲۷۰مدرسه واقع در حاشیه جاده‌ها و معابر اصلی در این استان خبر داد و بیان کرد: همین موضوع همواره غصه‌ای برای والدین و به‌خصوص عاملی برای بروز سوانح رانندگی است که جان دانش‌آموزان را تهدید می کند که البته در طرح بازگشایی مدارس به تناسب این تعداد مدرسه، پست ثابت برای روان‌سازی ترافیک و تسهیل عبورومرور دانش‌آموزان در این مناطق در نظر گرفته شده است.

او نداشتن تجهیزات و علائم مصوب بر روی خودرو، نداشتن مجوز رسمی و داشتن سرنشین اضافه را از تخلفات پرتکرار سرویس‌های مدارس در سطح استان معرفی کرد و گفت: با متخلفان بسیاری تاکنون برخورد شده است.

عکس | ایسنا

دهنوی در بخش دیگری از این نشست بیان کرد: در ۵ماهه ابتدایی سال جاری، تصادفات فوتی نسبت‌به سال قبل ۶درصد کاهش داشته است و با یک برنامه پنج‌ساله درحال تلاشیم که به کاهش ۱۰درصدی سالانه تصافات فوتی دست یابیم.

سرپرست پلیس راهور استان ادامه داد: در سال گذشته ۵۶درصد جان‌باختگان عابران پیاده بودند که در سال ۹۸ این آمار به ۵۵درصد رسیده است. علاوه‌بر این، بیش از ۴۰ تا ۴۵درصد عابران جان‌باخته، بیشتر از ۴۰سال داشته‌اند و در این بین، آمار جان‌باختگان کودک زیر ۵درصد است.

او در پایان، تعداد دوربین‌های فعال در سطح شهر مشهد را هم ۴۴۵دوربین و دستگاه‌های ثبت تخلف را ۱۴۰عدد بیان کرد.

گزارش روز

سهم هر آتش‌نشان مشهدی ۲۶حادثه

آمارهای آتش‌نشانی مشهد نشان از وقوع ۱۳هزار عملیات در ۵ماه امسال دارد

محمدجواد ابوعطا

صدای آژیر و چراغ های گردان خودروهای آتش نشانی که معمولا به دنبال مفری در دل ترافیک های گاه و بیگاه شهر هستند، همان‌طور که ترسی توأمان با دلهره را مهمان تن و بدن برخی از شهروندان می کند، برای آن هایی که دچار حوادث شده اند، سمفونی امید محسوب می شود. طبق آمارهای ۵ماه ابتدایی امسال این ترس و امید بیش از ۱۳هزار بار در مشهد تکرار شده، به نحوی که اگر این رقم را در میان تعداد آتش نشانان مشهدی تقسیم کنیم، به طور متوسط هر آتش نشان ۲۶بار فرصت داشته است تا با ایثار جان و از خودگذشتگی به استقبال خطرهای بالقوه شهری برود.

بررسی عملکرد سازمان آتش نشانی مشهد طی ۵ماه ابتدایی امسال، نشان می دهد که تعداد تماس های صورت گرفته با این سازمان در این مدت با ۳درصد افزایش به ۳۷۷هزار و ۹۷۲مورد رسیده است، موضوعی که امیر عزیزی، مدیرعامل سازمان آتش نشانی مشهد به آن اشاره می کند.

اقدام عجیب مزاحمان

یک نکته عجیب در این آمارها مرتبط با تماس های مزاحمی است، به طوری که بیش از ۵۰درصد کل تماس های صورت گرفته با آتش نشانی مشهد با رقم ۲۰۲هزار ۵۶۳مورد مزاحمت است، تا جایی که مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی مشهد می گوید: این تماس‌ها این گونه نیست که تنها برای اپراتورهای ما تولید دردسر کند، بلکه گاهی هزینه و زمان زیادی از آتش نشانی صرف رفتن به مناطقی می شود که یک مزاحم به دروغ اعلام حادثه کرده است. البته اقداماتی برای برخورد با مزاحمت های سریالی انجام می شود، اما این یک ضعف فرهنگی است و با فرهنگ سازی صحیح شاید بشود جلوی رشد و تکرار آن را گرفت. جالب تر از مزاحمت ها این است که از ۳۷۷هزار تماس، تنها ۱۳هزار و ۲۵۰تماس منجر به عملیات شده و ۱۶۲هزار و ۱۵۹نفر نیز به صورت اشتباهی با آتش نشانی تماس گرفته‌اند که با عنوان غیرمرتبط دسته بندی می شوند.

آتش‌سوزی های فراوان

براساس آمارهای آتش‌نشانی مشهد، از ۱۳هزار عملیات انجام شده در مشهد، ۴۲۵۰مورد آن مربوط به اطفای حریق بوده است که به نسبت مدت مشابه سال قبل ۳۱درصد افزایش داشته است. ۳۳۳۰مورد از این عملیات ها مربوط به نجات و امدادرسانی به شهروندان بوده و در ۳۰۰۳مورد نیز به شهروندان خدمات ایمنی ارائه شده است.

هر ۳۰روز ۱۰کشته

مدیرعامل سازمان آتش نشانی مشهد در ادامه ۱۳هزار عملیات، ۵۰کشته و ۴۰۳مصدوم در حوادث مختلف را جزو خاطرات تلخ این سازمان می داند و اعلام می کند که به طور متوسط هر ماه ۱۰شهروند را از دست داده‌ایم.

او در ادامه به مرور خاطرات خوش یعنی آمار نجات یافتگان می پردازد و می گوید: خوشبختانه با عملکرد به موقع و اصولی همکاران ما در همین مدت ۵۴۰۴نفر در حوادث مختلف از مهلکه خطر جان سالم به در برده‌اند.

حریق ضایعات و گرفتاری در آسانسور

مطمئنا در وقوع حریق های گسترده و بروز حوادث مختلف، تکرارهایی نیز به چشم می خورد. طبق آمار در حوزه اطفای حریق، آتش سوزی ضایعات و زباله خارج از ساختمان، آتش سوزی خودروها و حریق گیاهان و درختان عمدتا در فضای سبز، مهم ترین علت آتش سوزی ها بوده است و در حوزه حوادث نیز به ترتیب گیر کردن در آسانسور و محبوس شدن در خانه و اتاق بیشترین تکرار را داشته است.

در میان مناطق شهری نیز مناطق ۹ و ۲ بیشترین حوادث را به خود دیده‌اند و بر اساس ارزیابی های صورت گرفته در مدت پنج ماهه ابتدایی امسال، هر خودروی آتش نشانی به طور متوسط در ۴۵حادثه شرکت کرده و هر نیروی آتش نشان نیز به طور متوسط در ۲۶عملیات امداد و نجات و اطفای حریق حضور داشته است.

آتش‌نشانی روی خط گسترش

به گفته مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی مشهد، رشد کلان شهر مشهد مطمئنا نیازمندی های خاص خود را در حوزه ایمنی دارد، به همین منظور امسال احداث ۴ایستگاه جدید در مناطق رسالت، غدیر، مجد و رازی را آغاز کرده‌ایم که ۱۶درصد نیز رشد داشته‌اند.

امیر عزیزی در ادامه از اخذ اعتبار برای طراحی ۳ایستگاه وکیل‌آباد، شیرازی و کلات، خبر داد و یادآوری کرد: بهبود و بهسازی ۲ایستگاه مفتح و شهرک عسکریه از دیگر اقدامات ما در حوزه احداث و تجهیز ایستگاه های آتش نشانی بوده است.

براساس صحبت‌های این مقام مسئول، علاوه بر ایجاد ایستگاه های جدید در حوزه تجهیزات نیز با تلاش های صورت گرفته، یک دستگاه اتوبوس و یک تریلی برای انجام طرح های فناورانه ساخت اتوبوس ریکاوری و تریلی آموزش شهروندی، تأمین شده است.

عکس نوشت

خراسان‌رضوی رتبه‌دار در سقط جنین

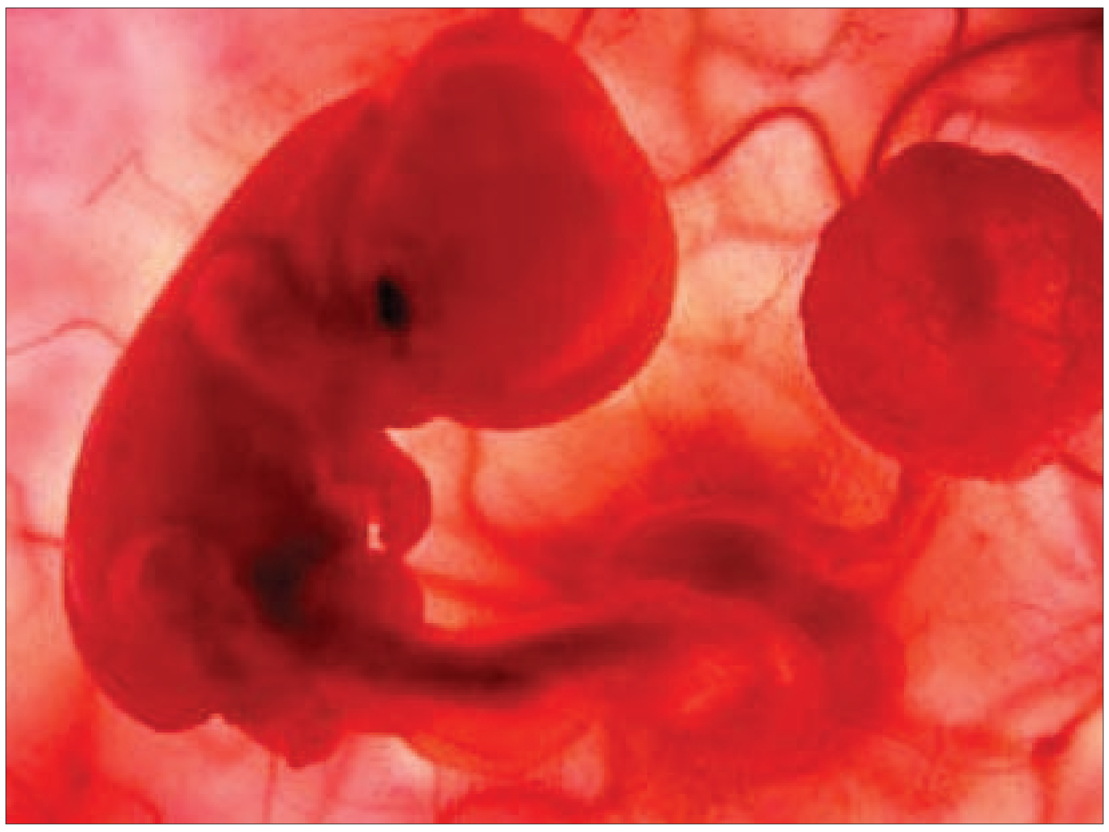

گروه حوادث| آمارهای چهارماهه پزشکی قانونی کشور نشان می‌دهد، پس از تهران با ۶۳۶ مراجعه‌کننده برای سقط جنین درمانی، خراسان‌رضوی با ۴۱۶ مراجعه‌کننده، دومین استان پرمراجعه به پزشکی قانونی برای این اقدام است. اما یک سؤال در ذهن مخاطبان وجود دارد که در چه شرایطی می‌توان از سقط جنین درمانی استفاده کرد، موضوعی که سازمان پزشکی قانونی درباره آن اعلام کرده، صدور مجوز تنها تا پیش از ۱۹هفتگی جنین میسر است و این مجوز زمانی صادر می‌شود که علاوه بر سن بارداری، وجود ناهنجاری در جنین که بعد از تولد موجب حرج مادر شود و یا بیماری مادر به نحوی که ادامه بارداری برای او خطر جانی به همراه داشته باشد از سوی ۳پزشک متخصص به تأیید برسد تا پزشکی قانونی به صدور مجوز اقدام کند. بنابراین، این تصور که تمام ناهنجاری‌های موجود در جنین و یا هر بیماری مادر به صدور مجوز سقط می‌انجامد تصوری کاملا نادرست است.

سردار محمد کاظم تقوی، فرمانده انتظامی خراسان رضوی:

ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر استان در بازرسی از یک کامیون متوقف شده در یک پارکینگ در مشهد ۱۴۶کیلو تریاک را کشف و ضبط کردند.

صدای مشاور

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ سؤالات خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیام رسان: ۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰

شهروندان گرامی با هدف پیگیری دقیق و سریع مسائل مطرح شده، لطفا آدرس و اطلاعات کاملی در اختیار ما قرار دهید.

آخر خط

کنگو (قسمت دوم)

طرح: آتوسا مافی

ایلیا موسایی

پرده اول

دختر کمک کرده بود تمام پله ها را بالا آمدند و مرضیه را روی کاناپه کهنه خاکستری خوابانده بود. صدای تلق تلقِ هم‌زدن آب و نبات از آشپزخانه می آمد. دختر آمد و کنار مرضیه خانم لبه کاناپه نشست. گفت: «ببخشید توروخدا تقصیر من شد... نباته. خوبه براتون» دست از هم زدن برداشت و لیوان را به لب های بی‌رنگ مرضیه چسباند. مرضیه به سختی چند جرعه را از گلوی خشکش پایین داد بعد سرش را به دسته کپل کاناپه تکیه داد. دختر گفت: «نباید امروز این همه اذیتتون می کردم. راستش کنجکاو بودم ماشینو...»

«سارا می خوام ببینمشون»

دختر جا خورد. اولین بار بود که مرضیه اسم دختر را به زبان می آورد. گفت: «چی؟»

«می خوام دخترا و زنایی که توی این پرونده بودن رو ببینم»

«برای چی؟»

مرضیه جواب نداد.

پرده دوم

مرضیه بعد از ماجرای ماشین، هم با پدر و مادرهای دیگر ملاقات کرد هم با زن هایی که قربانی ماجرا بودند. به جز یک نفر؛ «نرگس خزایی». با کمک سارا و تجربه خبرنگاری‌اش و رابط هایی که داشت معلوم شد نرگس خزایی همانی بوده که بیشتر از همه پرونده را پیگیری می کرده. سارا می گفت: «شاکی های دیگه یک شکایت نصفه نیمه‌ای کرده بودن که همین‌طوری لنگ در هوا مونده بود و احتمالا به همون دلیل همیشگی ترس از آبرو و این حرفا بی‌خیال موضوع شده بودن. اما این خانمه هرکی هست رفته اون شاکی های دیگه رو هم پیدا کرده و خدا می دونه چی بهشون گفته که راضی شدن بیان شکایت کنن.»

مرضیه و سارا هرچه گشتند اثری از کسی به نام نرگس خزایی نبود جز یک وکیل که به سختی وقت ملاقات داد. یک عصر بارانی بود. مرضیه خانم و سارا لباس گرم پوشیده بودند و پیاده رو خیس را زیر باران طی کرده بودند تا وکیل را ببینند. وکیل حدودا پنجاه ساله بود با موهای جوگندمی مرتب و اصلاح‌شده که از همان ابتدا آب پاکی را ریخت روی دستشان و گفت که نمی تواند شماره نرگس خزایی را بدهد. درعوض شماره مرضیه خانم را گرفت و گفت: «می گم خودشون با شما تماس بگیرن. این نهایت کاریه که می تونم براتون بکنم.»

۳روز بعد یک ظهر نیمه آفتابی بود که سروکله دختر پیدا شد. باز هم دم در توی کوچه خالی و مسکوت روی یک جدول نشسته بود و تا مرضیه را دید گرم لبخند زد و قبل از سلام گفت: «تو محله تون فکر می کنم دارم روی ماه قدم می زنم. آدم یخ می زنه» بتن های جویده و قدیمی حاشیه بلوک ها تا انتها خالی بودند. گیاهان خشکیده بی نامی، ساقه های سمج و کلفتشان را از حاشیه ها و ترک ها بیرون داده بودند و توی روشنایی یخ زده، کند و تنبل رشد می کردند.

مرضیه پرسید: «پیداش کردی؟»

دختر گفت: «سلاااام» و تندی مرضیه را بغل کرد. گفت: «یه چیزایی پیدا کردم. فهمیدم کیه و چیکاره‌است. و این...» کاغذ لای انگشتانش را توی هوا تکان تکان داد «شماره‌اش» مرضیه یک پاکت شیر در دست داشت. کلید انداخت.

آن بالا توی خانه، دختر هرچه با گوشی خودش و با گوشی مرضیه شماره را گرفت، در دسترس نبود. مرضیه گفت: «حتما فقط خواسته‌ان دست به سرت کنن»

سارا همان طور که سرش توی گوشی بود پرسید: «برای چی می خواین ببینیدش؟»

مرضیه گفت: «جوابی ندارم بهت بدم»

سارا به مرضیه نگاه کرد: «نرگس خزایی پارسال یک خودکشی ناموفق داشت»

مرضیه آرام از جایش بلند شد. گفت: «بریم توی ماشین»

پرده سوم

توی ماشین هر دو عقب نشستند. پراید سفید مُرده و سرد بود. توی اتاقک بوی ماندگی می آمد انگار روح ماشین داشت آرام آرام کپک می زد. مرضیه گفت: «اون شب بعد از اینکه رفتی و حالم کمی بهتر شد، کلیدها رو برداشتم و اومدم اینجا نشستم...»

«خودتون تنها؟ چرا؟»

«اون اولا وقتی خبر رسید که جلال چیکار کرده، جوری شوکه شده بودم که کلا پشت کردم به اینکه بچه‌ای داشتم و خیال می کردم مرد خوبی تربیت کرده‌ام. اما اون شب تصمیم گرفتم که بیام اینجا بشینم که به جلال نگاه کنم: ببینم بچه‌ام چطور آدمی بوده. توی اون تاریکی همینجا نشسته بودم و خیال می کردم جلال پشت فرمونه... به چیزی که ظهر اون روز گفته بودی فکر می کردم...»

سارا داشت خالیِ سنگ مانندِ بیرون را تماشا می کرد که زیر کورسوی دورِ یک چراغ برق، روشنایی کم حالی داشت. گرمای نفس سارا روی شیشه نشست و بی‌اینکه به مرضیه نگاه کند گفت: «خب... چی دیدین؟»

مرضیه معمولی نشسته بود. مثل یک مسافرِ شبانه، توی ماشینی که دارد حرکت می کند. «بچه‌مو دیدم. اما انگار توی مه بود؛ نمی شناختمش. اون پسر دانشجویی که من تربیت کرده بودم کجا و این کسی که داشت ماشین رو می روند کجا... می خواستم اون زن ها و دخترها رو ببینم که بفهمم جلال من چیکار کرده. بفهمم چی به دنیا آوردم»

سارا ساکت بود.

«می خواستم با خودشون حرف بزنم. مثل همین کاری که تو داری انجام می دی. برات سؤاله که چی باعث شده اینا همچین جونورایی بشن. منم برام سؤال بود که چیکار کردم بچه‌ام، جلالم همچین چیزی شده. می خوام گناه خودمو این وسط بدونم»

«خب شما که چنتاشون رو دیدین. چه اصراری دارین برای دیدن نرگس خزایی؟»

صورت مرضیه مثل سنگ تراشیده بود. توی آن تاریکی بی صدا اشک می ریخت. فقط گفت: «نمی دونم»

مرضیه خانم حس کرد شانه‌هایش از تنش جدا می شوند. به سارا نگاه نکرد.

سارا گفت: «وقتی این اتفاق برای یک زن میفته دیگه چه فرقی داره که به بقیه تجاوز شده یا نه... تمام دنیا رو سرت خراب می شه. انگار هر جا بری داری تو کنگو قدم می زنی»

مرضیه دستش را به سمت دست سارا برد. سارا گفت: «اون روز ظهر که اصرار کردم بیایم توی ماشین بشینیم می خواستم ببینم هنوزم حس پارسال رو دارم یا نه. می خواستم ببینم از این ماشین می ترسم یا نه...»

پوزخند زد: «اون موقع که سوارم کردن این سالم بود...» با دستش تکه‌ای از روکش را که ورآمده بود برگرداند. «توی آینه هم چشم های معصوم یک جوون راننده دیده می شد که یک مسافر هزاری رو هم با خودش سوار کرده... اما الان خالیه. فقط میشه تو آینه تاریکی محله رو دید»

مرضیه دستش را کشید. هاج و واج به سارا نگاه می کرد.

سارا گفت: «نرگس خزایی منم...»

ادامه دارد...